

دور از تعصب را به وجدانهای بیدار بشری گوشزد  
نمائیم.

پیش از هر چیز این را باید گفت که در مکتب  
ما اسلام، هر نوع جنگ تجاوزکارانه حرام است و  
اسلامی و انسانی نیست، اما جهاد با متجاوز یا دفاع  
و باصطلاح قهقی، رباط، مشروع و واجب است.  
جهاد با نفس و جهد و کوشش در راه نشر عقیده و  
بیرون آوردن انسانها از زیر یوغ طاغوت و ظلمات

# وجدان بشر جنایات

نیز از واجبات دینی شمرده میشود بنابراین هر نوع  
جنگ تجاوزکارانه حرام بوده و در صدر آن تجاوز  
به سرزمینهای دیگران با توسل به زور محکوم  
است.

این ماحصل نگرش جمهوری اسلامی ایران به  
امر جنگ و جهاد است که عملاً در تقابل با عقیده  
صدام و بعثیون عراق قرار دارد. از نظر صدام جنگ  
بعنوان یک ابزار اعمال قدرت و جاه طلبیهای  
سیاسی تلقی میشود و با همین طرز تلقی بود که  
آتش این جنگ را بدمستور امریکا روشن ساخت.  
انگیزه‌هایی که صدام را وادار ساخت تا به ایران  
حمله کند بارها مورد تحلیل قرار گرفته است اما  
بازهم جا دارد که مورد یادآوری قرار گیرد.

قبل از جنگ، شرایط بین المللی و حسابی که  
اثر قدرتها روی ارتش عراق میکردند طوری فریبنده  
و در عین حال غیر واقع بینانه بود که محیط مناسبی  
را بوجود آورد تا عراق نامزد جانشینی رژیم شاه  
بعنوان ژاندارم منطقه بشود و نیز بتواند در صورت  
یک پیروزی برق آسا در ایران، رهبری بلامنازع  
جهان عرب را در دست گیرد.

دست آوردهای خیالی دیگری، منجمه اعمال  
حاکمیت کامل بر شط العرب و اشغال مواضع  
استراتژیکی در طول مرزهای خاکی از جمله تبعات  
این پیروزی بود که مورد محاسبه قرار میگرفت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ثامن الاالله طریق القدس و مطلع الفجر در آبادان،  
بستان و گیلان غرب موفق شوند مناطق کلیدی را از  
تصرف دشمن کافر آزاد کنند و با انجام عملیات  
محمدنا رسول الله در خاک عراق تواناتیهایی  
استراتژیک خود را به ثبوت برسانند. در اینجا قصد  
ما بررسی پیروزیهای مردم و دلاوران ما در جبهه‌ها  
نیست، بلکه مقصود بررسی آن جنایاتی است که  
صدام حسین بعنوان الت فعل امریالیسم امریکا و  
بنام رژیم عراق و ملت عرب انجام داده است، و با  
یادآوری آن بار دیگر لزوم یک داوری انسانی و

گاهی لازم است به پشت سر نگاهی انداخت تا  
راه باقیمانده را با توانی بیشتر که حاصل برآوردهای  
دقیق تری خواهد بود پیمود. اکنون ۱۶ ماه از جنگی  
که رژیم بعث عراق ناجوانمردانه به ما تحمیل کرده  
است میگذرد در این مدت دلار آن ما در جبهه‌ها و  
تمام اقتضای مردم میهن اسلامی با هماهنگی و یکدلی  
ویژه‌ای که ملهم از تعلیمات اسلامی است،  
توانستند در مرحله اول تهاجم دشمن را سد نموده و  
سپس او را به عقب نشینی تدریجی وادار کنند و  
طی چند حمله بزرگ و معروف، منجمه عملیات

هدف کوتاه مدت صدام این بود که در مرحله اول با یک یورش سریع استان خوزستان و دستگاه عظیم نفتی را تحت تصرف خود در آورد و یک حکومت باصطلاح آزاد و دست نشانده خود با همکاری سران فراری رژیم در این استان ایجاد کند. و سپس با کنترل کامل شط العرب و خلیج فارس، مراحل واژگونی جمهوری اسلامی ایران را آغاز نماید. صدام در بلند مدت نیز قصد داشت در یک

# ی و داوری صدام

مصالحه ناچوانردانه با رژیم باصطلاح آزاد شرایط خود را برای صلح تحمیل کند. در این شرایط قطعا انضمام کامل شط العرب به خاک عراق، و پرداخت کلیه خسارات جنگی از جانب ایران به عراق مورد ملاحظه قرار میگرفت و شاید خیالپردازی صدام در آستانه شروع حماسه قادسیه اش تا آنجا میرسد که از استانهای کردستان، خوزستان و آذربایجان دولت‌های کوچک و حائل مرزی که همکاران صدام باشند بوجود آورد تا برای همیشه خیالشان از ایران راحت باشد. اما امریکا از تحمیل این جنگ به ایران در تعقیب چه منافع بود و چرا دستور حمله به ایران را داد؟

بی شک واژگونی جمهوری اسلامی ایران از جمله مهمترین هدفهای امریکا بوده است. با اضمحلال این جمهوری به زعم امریکا خطرات احتمالی برای تنگه هرمز که شریان حیاتی غرب است دفع میشد و نیز استفاده از منابع نفت ایران برای غرب میسر میگشت. تقویت موقع اسرائیل و سودگویی خیال متحدان عرب امریکا در منطقه و سهولت جریان کمپ دیوید نیز از جمله هدفهای امریکا بود.

با این تصورات طرح حمله برق آسای عراق به ایران ریخته شد و در شهریور ماه ۵۹ بالغویک جانبه قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی عراق

**\* از نظر صدام جنگ بعنوان یک ابزار اعمال قدرت و جاه طلبیهای سیاسی تلقی میشود و با همین طرز تلقی بود که آتش این جنگ را بدستور امریکا روشن ساخت.**

**\* شاه حسین و صدام همواره کوشش کردند به جنگ صدام علیه ایران ماهیت عربی ببخشند و افکار توده های مسلمان عرب را علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج نمایند.**



بهانه های لازم برای شروع حمله بوجود آمد و با حمله جنگنده های عراقی به پایگاههای مختلف ایران این جنگ تحمیلی آغاز شد. در نخستین روزهای جنگ و با دفاع دلیرانه رزمندگان اسلام آشکار شد که پیروزی برق آسا و قادسیه صدام رویانی بیش نبوده است. جنگ تحمیلی علیرغم میل امریکا و صدام بصورت فرسایشی درآمد و تمام امکانات و استعداد ارتش بعث را در خود بلعید.

ضعف صدام بیشتر زمانی آشکار شد که نرجستهجوی حمایت رژیمهای مرتجع منطقه برآمد در جهان عرب مرسوم است که معمولا ضد عربی ترین طرحها در پوشش آرمان اعراب توسط کشورهای مرتجع پیاده میشود صدام در عرصه دیپلماسی با یک چرخش غیرمنتظره که ظاهرا در جهت خلاف ماهیت باصطلاح مترقی رژیم بعث بود، روبه سوی حکام مرتجع منطقه آورد و طرحی بنام «طرح ملی» را به همه کشورهای عربی پیشنهاد کرد که اساس آن چنین بود: وقتی یک کشور عربی با یک کشور غیرعرب در جنگ است، کشورهای عربی با هم همکاری نمایند. باللهام از این طرح و با توجه به ملاحظات دیگر، شاه حسین حمایت بی قید و شرط خود را از صدام اعلام کرد و عملا علیه ایران به صدام پیوست. این هردو همواره کوشش کردند به جنگ صدام علیه ایران ماهیت عربی ببخشند و افکار توده های مسلمان عرب را علیه جمهوری اسلامی ایران بسیج نمایند. اما عملا علیرغم فعالیتهای دیپلماتیک دستگاه صدام و شاه حسین و حماسه سازیهای دستگاههای تبلیغاتی آنان این اندیشه رونقی نگرفت و ضعف صدام آشکارتر شد. از این رو صدام برای به زانو درآوردن ایران متوسل به رژیمانه ترین شیوه ها یعنی گشادن جنگ به صحن خانه ها و ممان اطفال و زنان و سالخوردگان شد. جنایت انفجار موشکهای ۹ متری «فرانگ ۷» صدام در محله های ذرفول و اهواز و در دل شب و بهنگام آسودن اطفال در کنار ملدانشان فاجعه غم انگیزی است که به دفعات تکرار شد و هرگز فراموش نمیشود. اوج این جنایت وحشتناک در هفته اول نوروز بود روز اول سال نو، حوالی ظهر درحالی که مردم اهواز برای تجدید عهد با شهدای خود به گورستان بهشت آباد اهواز رفته بودند ارتش بعث سه موشک بطرف شهر شلیک کرد که در لحظات اول چندین نفر شهید شدند و به خانه های متعددی آسیب رسید. روز دوم و سوم و به همین ترتیب روزهای بعد مجموعا ۲۰ موشک سه متری به اهواز اصابت کرد و باران مرگ بارید اما شواهد امر نشان داد که ذره ای از ضعف و زبونی لطف و ورق یزید



نهایت دقت و وسواس را در حفظ تقوای جنگی بکار میبردند. مطابق دستورات پیامبر، به زنان و اطفال و سالخوردهگان تعدی نمیکردند و باعث وحشت آنان نمیشدند. تقوی بحدی بود که عمر به ابوبکر توصیه کرد خالد بن ولید سردار مسلمین را بخاطر ازدواج با همسر شخصی اسیر بنام مالک که یقین میرفت خالد بدون ضرورت جنگی او را کشته باشد، قصاص کند اما ابوبکر به این دلیل که خالد در تأویل خطا کرده است، او را رها ساخت.

شرح جوانمردیهای صلاح الدین ایوبی در جنگهای صلیبی نسبت به مسیحیان شکست خورده فصلی از اوج رافت و تقوای جنگی در اسلام است. گذشت و جوانمردی صلاح الدین نسبت به صلیبها که هنگام فتح بیت المقدس از شدت گشتار مردم بی دفاع اسبانسان تا زانو درخون فرورفته بودند نمایشی از حکومت منطقی اسلامی پراحاسات بشری بود. اینک چگونه صدام فرماندهان عراقی را که تنها در پستان بیش از بیست دختر وزن جوان از هموطنان عرب زبان ما را پس از تجاوز زنده به گور کردند با کسانی چون خالد و سعد و صلاح الدین همانند میسازد؟ چرا در حالیکه پیامبر سفارش میکند هنگام جنگ درختها را قطع نکند و به حیوانات آزار نرساند، صدها تن زن و کودک و سالخورده در نیمه شب به دستور صدام هدف بمباران موشکی قرار میگیرند؟

صدام در دنباله همان نطق خود گفته بود: «افراد ارتش عراق ثابت کردند که امت عرب یک امت زنده و مقتدر است و ذلت و خواری را نمی پذیرد» اما همین صدام به وحشیانه ترین وجهی عشایر عرب زبان هموطن ما را تنها به جرم دفاع از سرزمین اسلامی زیر بمبارانهای شدید هوایی آزمین میرد. در مقابله با اسرا نیز رژیم صدام چهره ای شیطانی دارد. او در حالیکه تاکید بسیار بر عربیت و حمایت از مردم عرب زبان منطقه میکند اسرای بسیاری را از هموطنان عرب زبان ما در قسمت غربی خونین شهر و سایر نقاط مرزی مرکب از سالخوردهگان و کودکان و زنان در بند کرده است و با بدترین شیوه ها با آنان رفتار مینماید. از این گذشته کار کینه جوئی او با مسلمانان عتبات تا بدانجا رسیده که در سرمای زمستان تعداد یکهزار و دویست نفر از آنان را که قیلا در بند بودند، بدون هیچگونه پاپوش و لباس گرم گرسنه و بیمار در مرزها نموده که سرانجام وارد ایران شدند و مورد پذیرائی قرار گرفتند.

بهر حال این اقدامات صدام و فرماندهان ارتش یعنی در طول جنگ که بدستور آمریکا صورت میگرفته است، چاره ای غیر منطقی و وحشیانه برای جلوگیری از ضعف روز افزون ارتش بعث و انهدام

ثانیه تعداد بیشماری از سکه را در لابلای تلهانی از آهن و آجر و خاک بطرز فجیعی مدفون ساخت. شرح غم انگیز این جنایات چیزی نیست که به آسانی قابل توصیف باشد اما تا آنجا که مقدور بود شرح این عملیات جنایتکارانه، توسط ایران در معرض افکار عمومی جهان و وجدان بشری قرار گرفت.

صدام قبل از این که برای جبران ضعف خود به این تاکتیک وحشیانه پردازد، در دیماه سال ۵۹ در نطقی که بمناسبت شصتمین سالگرد تاسیس ارتش عراق از رادیو بغداد پخش شد، خطاب به فرمانده ارتش بعث گفته بود: «افراد ارتش و فرماندهان در کنار یکدیگر با برخورداری از یک عقیده می جنگند که گویی هریک از آنها خالد، سعد طارق، قمععه و صلاح الدین میباشند» او با نام بردن از سرداران صدر اسلام در جهاد مسلمین علیه کفر قصید داشت با همانند سازی و قیاسی مع الفارق روحیه ارتش بعث را بالا برد غافل از اینکه کسانی مثل سعد یا صلاح الدین ایوبی در میدان جنگ



صدام به اهواز منتقل نشد و مردم این شهر ودلاوران رزمنده همچنان مقاوم و پایدار برجای ماندند.

فاجعه ومصیبت درذوقول ابعاد دیگری داشت. موشکهای ۹ متری درست در نیمه های شب راه خود را بسوی ذوقول طی می کردند و در صحن خانه ها و مسیر کوچه ها فرود میامندند. در انفجار موشکی درذوقول بخاطر تراکم جمعیت، تعداد شهدا بخصوص در میان اطفال و مادران بیشتر بود.

حملات موشکی صدام با بمبارانهای شیمیایی تکمیل میشد. در اواخر سال گذشته رسماً اعلام شد که هواپیماهای عراقی به بمباران مناطق مسکونی بوسنیه بیهی ناپالم پرداخته اند.

یکی از فرماندهان جبهه ها در نهم اسفندماه ۵۹ اعلام داشت که «برای دومین بار در جهان توسط صدام (روز هفتم اسفندماه) بیهی ناپالم روی خانه های مسکونی شهر مریوان ریخته شد». او در مصاحبه اش عنوان کرد که پس از ویتنام، ایران دومین صحنه انفجار بمب های ناپالم ساخت آمریکا توسط عراق بوده است.

در پی این واقعه، در اردیبهشت ماه امسال استاندار ایلام اعلام کرد که هواپیماهای عراقی اقدام به ریختن مواد سمی بر مناطق مسکونی این استان کرده اند و سرانجام نشریه «فارین ریپورت» چاپ لندن در اردیبهشت ماه گزارش داد که «ارتش عراق از گازهای سمی فلج کننده اعصاب در نواحی اهواز و ذوقول استفاده کرده است».

این عملیات جنایتکارانه صدام که اغلب دامنگیر هم وطنان عرب زبان ما شده است، همراه با زجر و شکنجه هم وطنان مقیم شهر واسارت زنان و اطفال بی گناه آن سامان و نیز خرابیهای بسیار و خسارات عظیم در این شهر و روستاهای مرزی از جمله جنایاتی است که دستگاههای تبلیغاتی غرب با وجود علم و اطلاع کامل، به انتشار حتی گوشه هائی از آن اقدام نکردند.

نظیر این جنایات ها را تاریخ جنگهای «قراردادی» و منظم کمتر سراغ دارد معمولاً در بمبارانهای هوایی، مردم این امکان را دارند تا با برخورداری از علامت هشدار دهنده خود را به پناهگاهها و جاهای امن برسانند و امکان تلاش برای رهایی را دارند.

حتی در بمباران قاهره در سال ۱۹۵۶ در بحیره بحران کانال سوئز، رسانه های انگلیس و فرانسه قیلا مردم قاهره را از حمله هوایی آگاه کردند. اما صدام روی این جنایتکاران را سفید کرد و با ناجوانمردی هرچه تمامتر با پرتاب موشکهای سنگین «فراگ ۷» به شهرهائی چون اهواز و ذوقول در کمتر از چند



گذشته ما این اسرا را بخشی از برادران عراقی خود میدانیم که زیر حکومت ظلم و جور بعث عراق در مسیری خلاف فطرت خود کشانیده میشوند. و این نگرشی است که از ابتدا در جمهوری اسلامی ایران نسبت به برادران و خواهران عراقی وجود داشته است. یکی از رانده شدگان عراقی در این خصوص گفته است «خلبانان ایرانی بر عکس خلبانان صدام نقاط مسکونی و بیمارستان و مدارس را بمباران میکنند ما از امام امت سپاسگزاریم که حساب ملت عراق را از دولت آن جدا کرده اند»

مجموعه چنین عملکردهای از جانب جمهوری اسلامی ایران بویژه مدیریت جنگی ما، بدون هیچ گفتگو مبین وفاداری و اتکاء کل نظام، به اسلام زاستین و تعالیم قرآنی و مفهوم جهاد است و حکایت از قدرت قابل ملاحظه و روحیه بسیار بالای رزمندگان ما در این جنگ دارد. بی شک راز قدرت مادی و معنوی عظیم ما که در جنگی ۱۸ ماهه چون کوه در مقابل مانعین جنگی عراق و حمایت های غرب و شرق از صدام، ایستاده ایم در وفاداری و عشق به اصولی است که به آن اعتقاد داریم و به آن عمل میکنیم. این نکته نیز قابل طرح است که ما در عین نیرومندی و در موضع قدرت، و با اعلان به پیروزی خویش در این جنگ، همواره آماده پذیرش صلح بوده ایم و هیچگاه صلح را نفی نکرده ایم زیرا غایت امان و مقصود حرکت و مبارزات ما و مکب ما رسیدن به صلح است.

در این راه جمهوری اسلامی ایران هیچگاه کوشش های هیئت های حسن نیت را منع نکرده و همواره آماده شنیدن نظرات و پیشنهادات این هیئت ها بوده است در عین حال در شرایط خود برای آتش بس نیز که مثل همه امور منطبق بر اصولی اسلامی و انسانی است تخفیفی نداده زیرا تخفیف در این شرایط را مساوی با چشم پوشی از حق حاکمیت ملی و اصول اعتقادات خود میدانند. خروج بی قید و شرط نیروهای عراقی از باقیمانده مواضع متزلزلی که هم اکنون در دست دارند شناسایی و محاکمه متجاوز و پرداخت غرامات جنگ، شرایط سه گانه ایست که جمهوری اسلامی ایران آنها را مبنای پذیرش آتش بس قرار داده است. این شرایط در هر منظومه منطقی قابل قبول و عادلانه بنظر میرسند. از سخنان مسئولان مملکتی نیز چنین برداشت میشود که هر تلاشی از خارج و از سوی مجامع برای تعدیل یا تغییر این شرایط بی حاصل است و هر طرح آتش بس و صلحی که متضمن شرایط سه گانه نباشد مورد قبول نخواهد بود. این اندکی بود از آنچه که صدام کرد و آنچه که ما اعتقاد داریم و عمل کردیم. دلاوری را به وجدان بشری میسپاریم.

به نقل از بولتن دفتر مرکزی خبر

## \* نحوه رفتار اسلامی و انسانی با اسرای عراقی آنچنان آنان را تحت تاثیر قرار داده است که تعداد کثیری از آنان داوطلبانه گردان جولان را برای مبارزه با صهیونیسم تشکیل داده اند.

نحوه رفتار اسلامی و انسانی با اسرای عراقی آنچنان آنان را تحت تاثیر قرار داده است که تعداد کثیری از آنان داوطلبانه، گردان جولان را برای مبارزه با صهیونیسم در مناطق اشغالی تشکیل داده اند. یک استوار عراقی داوطلب در گردان جولان میگوید: «این عملی اسلامی برای آزادی سازی سرزمین های عربی و اسلامی است و فرصت مفتنی است برای پاک کردن تنگی که لاجنگ با ایران تحمل کرده ایم، زیرا با اسلام مبارزه میکردیم».

ابتکار جدید ایران در مورد ترتیب ملاقات اسرا و خانواده هایشان در تاریخ بی سابقه بوده است. «ارمین اریک کوپل» نماینده صلیب سرخ بین المللی و نیز مجله اکونومیست چاپ لندن اذعان کرده اند که تا کون سابقه نداشته و شنیده نشده است که اسیر جنگی اجازه داشته باشد در خاک دشمن با خانواده اش دیدار کند. از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران اسیر جنگی بشابه شینی یا جاندار بی ارزشی تلقی نمیشود که تنها ارزش مبادله را داشته باشد! اسیر جنگی میتواند بعنوان یک انسان از تمام حقوق طبیعی خود برخوردار باشد. او همچنین این حق را دارد که بداند چرا و در خدمت چه هدفی وادار شده است جان خود را در جبهه ها بخاطر اندازد. از آن

ظرفیت اقتصادی و جنگی و از همه مهمتر منابع نیروی انسانی عراق بوده است. درقبال این ضعف مزمن در رژیم بعث عراق، درطول جنگ تعداد عمده ای از مشکلاتی که رویاروی انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته بود سرعت ازمیان رفت تحولاتی که قرار بود به نفع امپریالیسم درحاکمیت سیاسی کشور بوجود آید، بطوری معجزه آسا به نفع نیروهای مسلمان و انقلابی خط امام صورت گرفت و سکون و عدم تحرکی که بر جبهه ها حاکم بود جای خود را به یک سلسله عملیات پیروزمندانه جنگی سپرد که بیش از پیش برنومیدی امپریالیسم امریکا و رژیم سرسپرده صدام افزود و بیعاست گفته شود که هر اندازه امپریالیسم امریکا و دست نشاندهگان او در منطقه بخواهند از شکست قریب الوقوع صدام جلوگیری کنند، نخواهند توانست در سرنوشت محتم او تغییری دهند.

بی شک در ایران اسلامی صحنه های مدافعه پیکارگران ما علیه صدام و کفر بعث در طول مبارزه، بی گفتگو تابلوهای بسیار زنده و مجسمی از تجلی تعالیم قرآن در این زمینه را ارائه میدهند. زمانی که فریب خوردگان ارتش بعث در جبهه ها به انهدام مناطق غیر نظامی مشغولند و در کمال ضعف و زبونی در برابر یورش های دلیرانه رزمندگان ما چاره ای جز فرار ندارند و در حالیکه اوردگاههای آنان در پشت جبهه ها از زنها و کودکان و سالخوردهگان عرب زبان در مناطق جنگی تحت عنوان اسرای جنگی پر شده است، روزهای اسارت بر انبوه اسرای عراقی در ایران به گونه ای میگردد که فخر امت مسلمان است. بهتر است در این مورد قضاوت دیگران را بشنویم:

اسقف کاپوچی که در تاریخ چهارم اسفندماه از اردوگاه حشمتیه، محل نگهداری تعدادی از اسرای عراقی دیدن کرده میگوید: «من میتوانم اعلام کنم که از اسرای عراقی در ایران به نحو احسن نگهداری میشود و با آنها برادرانه رفتار میگردد»  
خبرنگار مجله «بولتن استرالیا» پس از بازدید از اسرای عراقی نوشته است «زندگی اسرای عراقی بهتر از بسیاری از مردم ایران است»

اسرای عراقی در ایران بنا به شهادت خودشان در مصاحبه هایی که کرده اند و نیز به گفته پلزدید کنندگان خارجی از بهترین مواد و برنامه غذایی استفاده میکنند. اسرای عراقی کتابخانه و زمین ورزش در اختیار دارند و به بیگاری برده نمیشوند و آنهایی که مایلند در کلاس های آموزشی شرکت داده میشوند و در نماز جمعه ها شرکت می کنند این کلاس ها بعنوان ادای وظیفه ای که بموجب دستورات اسلام بر عهده جمهوری اسلامی ایران قرار دارد تشکیل میشوند.